

رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری در مورد قطع مستمری مشمولین تأمین اجتماعی (صفحه ۶۸۵)

روزنامه رسمی شماره ۱۳۹۶ - ۲۴/۱۱/۱۳۷۱ - شماره ۱۰۸۶۹ - ۳۰/۹/۱۳۷۱

تاریخ ۲۷/۵/۷۱ شماره دادنامه ۹۰ کلاسه پرونده ۱۰۸۶۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: سازمان تأمین اجتماعی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب چهارم و هشتم دیوان عدالت اداری.

مقدمه:

الف - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۵۴۶۶ موضوع شکایت آقای غلامرضا اولیاء به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی (شعبه یزد) به خواسته لغو دستور قطع مستمری و مطالبه و استرداد وجوه مأخوذه به شرح دادنامه ۷۸۰ - ۱۸/۸/۶۷ خلاصتاً چنین رأی صادر نموده است: با توجه به این که در مقررات قانون تأمین اجتماعی اشتغال بیمه شدگان بازنشسته به عنوان مشاوری و اخذ حق المشاوره ممنوع نگردیده و از موجبات قطع مستمری بازنشستگی نمی باشد و قطع مستمری بازنشستگی شاکی به شرح مذکور به نظر مبنای قانونی نداشته لذا شکایت وارد تشخیص می گردد.

ب - شعبه هشتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۰۵۶۶ موضوع شکایت محمدرضا تعجیبیان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی (شعبه یزد) به خواسته رسیدگی و صدور دادنامه مبنی بر غیر قانونی بودن تصمیم سازمان تأمین اجتماعی شهرستان یزد مبنی بر قطع مستمری و استرداد وجوه مستمری سنوات قبل به شرح دادنامه ۲۸۰ - ۱۸/۶/۶۹ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به مفاد تعهدنامه آقای محمدرضا تعجیبیان که به شماره ۷۳۳۵ - ۱۶/۳/۶۰ دفتر سازمان تأمین اجتماعی شعبه یزد ثبت گردیده و نامبرده تعهد داده است که در صورت اشتغال به کار مجدد در کارگاه مشمول بیمه مراتب را بلافاصله به آن شعبه اعلام نماید و در صورت تخلف سازمان می تواند طبق مقررات با وی رفتار نموده و چنانچه مستمری بازنشستگی او قطع گردیده هیچگونه ادعایی نداشته باشد. الزام سازمان طرف شکایت به برقراری مجدد مستمری و استرداد وجوه دریافتی وجهه قانونی ندارد و شکایت از این حیث مردود تشخیص می شود.

جلسه هیأت عمومی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عباسی فرد و با حضور رؤسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره به اتفاق آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی وحدت رویه

مراد مقنن از عبارت عدم اشتغال بیمه شده به کار در بند ۱۵ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی مصوب سوم تیر ماه ۱۳۵۴ موضوع تعریف حالت بازنشستگی، عدم اشتغال به کار ثابت در کارگاه مشمول قانون کار در قبال دریافت حقوق یا مزد مستمر طبق ضوابط مقرر در باب حداقل و حداکثر ساعات کار و حقوق یا مزد است که تعمیم و تسری آن به ارائه خدمات خاص غیر مستمر در زمان و ساعات محدود با حق الزحمه معین بر مبنای توافق طرفین و قطع مستمری افراد بازنشسته مشمول قانون مذکور به واسطه آن ملاک موجهی ندارد بنا بر این دادنامه شماره ۸۷۰ مورخ ۱۸/۸/۶۷ شعبه چهارم دیوان عدالت اداری که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رییس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدرضا عباسی فرد